

# تأثیرگذاری فقر بالای صحت روانی اشخاص دارای معلولیت



نویسنده: سیف الرحمن عیارلمر

زمستان: ۱۳۹۹

## مقدمه

معلولیت شرایطی است که در توانایی فرد در انجام کارهای روزانه اختلال ایجاد می‌کند. درک، توضیح و تبیین آن نیازمند توجه به الگوهای مفهوم گوناگونی چون الگوی صحتی، اخلاقی و اجتماعی است. الگوی اجتماعی معلولیت، مساله را به عنوان مشکل اقتصادی و اجتماعی با در نظر داشتن ادغام و جذب کامل افراد معلول در درون جامعه دانسته و مدیریت مشکل را نیازمند عمل اجتماعی می‌داند. عدم تحقق اصلاحات لازم برای مشارکت کامل آنها و فقدان فرصت‌های زندگی مانند صحت، روانی، آموزش، اقتصاد و مهارت‌های شغلی به نیازهایشان دارد که طرد اجتماعی و اقتصادی آنان را به دنبال دارد. طرد اجتماعی مفهوم چند بعدی است که دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌باشد. طرد راندن به حاشیه و گسستگی از عواملی است که فرد را اجتماعی می‌کند؛ به حاشیه راندن از مکتب، محل اصلی اجتماعی شدن، عدم پذیرش یا ناتوانی از حضور در بازار کار و تولید است که خود بالای روح و روان هم‌چنان انگیزه آنان تاثیر بر استعداد و اقتصاد آنان می‌گذارد.

بدین ترتیب اشخاص دارای معلولیت از فرصت‌های زندگی همانند سایر افراد غیر معلول برخوردار نیستند.

تبعیض دسترسی به خدمات و مشاغل مورد نیاز برای حد اقل‌های معیاری زندگی را به شدت محدود می‌کند و این مساله همبستگی بالا میان فقر و تاثیرات روانی را در بردارد.

برای شکستن ساز و کار فقر، طرد، معلولیت علاوه بر خدمات حمایتی، به خدماتی نیاز است که کارکردشان کاهش عیب و نقص باشد؛ تا شخص دارای معلولیت امکان استفاده از فرصت‌های معمول را بدهد. در این مقاله با تامل در ادبیات موضوع که فقدان فرصت‌های زندگی مانند امکانات صحتی، تحصیلی، روان‌درمانی، آموزش و مهارت‌های شغلی، بیکاری و عدم اشتغال و محرومیت در آمدی را موجب طرد اجتماعی معلولین قلمداد می‌نماید به بررسی اطلاعات و آمار موجود در باره جمعیت اشخاص دارای معلولیت، مشکلات صحتی، روانی و اقتصادی آنان در افغانستان پرداخته است. در این راستا زمینه‌های چون آموزش، استخدام و درآمد که می‌تواند فقر و طرد اجتماعی جمعیت اشخاص دارای معلولیت در افغانستان را توضیح دهد، مورد توجه واقع شده است.

## فقر و معلولیت

فقر به طور کلی به عنوان عدم توانایی مشارکت در زندگی اجتماعی به علت عدم تسخیر منابع مطرح و از دید نولان و ولان به دو دسته فقر " در معرض خطر فقر " (at risk of poverty) و " فقر سازگار " (consistent poverty) تقسیم بندی می‌شود.

\*در معرض فقر: نشان دهنده این واقعیت است که همه کسانی کم درآمد در یک برحه از زمان ( برای مدت زمان طولانی و یا مدت زمان کوتاه) ناشی از عدم توانایی در پس انداز یا کسب ثروت به وسطه نسل‌های پیش از خود بوده اند.

\*فقر سازگار: نشان دهنده این واقعیت است که خانواده در زیر یک آستانه درآمد نسبی می‌باشد و از محرومیت اساسی رنج می‌برد. به عبارت دیگر عدم توان تامین برای فقدان پول است. محرومیت عمومی در یافتن کار مناسب عامل اصلی این نوع فقر محسوب می‌شود که منجر به آن می‌شود که خانواده قادر

به پرداخت هزینه لباس های جدید، یک وعده غذایی قابل قبول هر روز، افتادن به بدهی و یا عقب افتادگی برای زندگی عادی می باشد.

تحقیقات انجام گرفته در کشور ایرلند، نمونه مورد آزمون را به دو گروه افراد دارای سلامت کامل و افراد با معلولیت تقسیم بندی کرده اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که گروه افراد سالم از نوع در معرض فقر و گروه معلولین از فقر سازگار رنج می برند. عامل اصلی فقر سازگار در معلولین در درجه اول به واسطه عدم پذیرش این افراد در فعالیت ها و کسب و کارهای درآمدزا و در درجه دوم به علت عدم توانایی این افراد شناسایی شده است.

## معلولیت و فشار روانی

با بیان اینکه معلولان علاوه بر مشکلات ناتوانی و کم توانی جسمی، فشارهای روانی زیادی را نیز متحمل می شوند، می گوید: به طور کلی میزان و درجه فشار روانی که معلولان تجربه می کنند به میزان نقص و آسیب، میزان برخورداری از حمایت های سازمان های ذی نقش و نوع نگاه جامعه بستگی دارد اما با این وجود معلولانی که بر اثر حوادث، دچار ناتوانی می شوند نسبت به معلولان مادرزادی، فشار روانی بیشتری تحمل می کنند.

ناشنوایان و نابینایان نیز که دچار نوعی نقص حسی هستند، بیش از معلولان دیگر فشارهای روانی (مجموعه ای از ناکامی ها که عموماً در قالب استرس، افسردگی و اجتماع گریزی در فرد ظهور می کند) را تحمل می کنند، ادامه داد، کانال های حس شنیداری و دیداری در تکمیل دانش و دانایی و حضور در موقعیت های اجتماعی بسیار موثر است و از آنجایی که نابینایان و ناشنوایان در مقایسه با افراد عادی کمتر از موهبت برقراری تعاملات سازنده با محیط و دنیای اطراف برخوردارند، ترجیح می دهند که از اجتماع کنارگیری کنند.

افرادی که دچار ناتوانی ذهنی و جسمی هستند، علاوه بر مشکل ناتوانی و کم توانی، فشارهای روانی و اجتماعی زیادی که ناشی از این ناتوانی به آنها وارد می شود را تحمل می کنند. در این میان نیز هر وجدان بیداری با دیدن و شنیدن مشکلات آنها احساس ناراحتی و ترحم دارد؛ احساساتی که زندگی فردی، اجتماعی و روانی معلولان را تحت تاثیر قرار می دهد، لذا بهتر است افراد جامعه به جای احساس ترحم، توانایی و باورهای آنها را باور داشته باشند.

به طور کلی میزان و درجه فشار روانی که معلولان تجربه می کنند براساس میزان نقص و آسیب، میزان برخورداری از حمایت های سازمان های ذی نقش و نوع نگاه جامعه متفاوت است. بی تردید افرادی که بر اثر حوادثی به یکباره دچار ناتوانی می شوند نسبت به افرادی که به صورت مادرزادی دچار معلولیت شده اند فشار روانی بیشتری تحمل می کنند.

## تفاوت های زندگی معلولین قشر مرفه جامعه با معلولین قشر فقیر جامعه

زندگی افراد دارای معلولیت چگونه است؟ داشتن وضع اقتصادی خوب چه اثراتی در زندگی این افراد دارد؟

ناتوانی و معلولیت، محدودیت‌های جسمی و روانی می‌باشند که ممکن است در هنگام تولد و یا بر اثر بیماری و آسیب دیدگی ایجاد شوند. این افراد احتمالاً در انجام بسیاری از کارهای روزانه خود با مشکلاتی روبرو خواهند بود و از این رو زندگی این افراد با چالش‌های زیادی روبرو است.

نیاز افراد دارای معلولیت در طول عمرشان با نوساناتی همراه است که در نهایت در بسیاری از مسائل از جمله اجتماعی و مالی ممکن است با درگیری‌های زیادی همراه باشد.

وجود عامل معلولیت به خودی خود باعث ایجاد کمبودها و ناراحتی‌های زیادی در خانواده است، و متأسفانه ارتباط مستقیم اوضاع اقتصادی و امکانات، این فرآیند را سخت‌تر نیز کرده است.

افراد دارای معلولیت در جامعه، متأسفانه با کم و کاستی‌های زیادی روبرو هستند و این قضیه زندگی را برای آن‌ها سخت و سخت‌تر کرده است.

در حال حاضر دولت و وزارت دولت در امور شهدا و معلولین تلاش زیادی برای رفع نیازهای این افراد در نظر گرفته‌اند ولی کماکان معلولان جامعه از کوچکترین امکانات تا بزرگ‌ترین آن‌ها با نیازهایی خاص خود روبرو هستند.

داشتن یک زندگی مناسب و آسوده از هر نظر (خود فرد دارای معلولیت و خانواده آن‌ها) در جهان امروزه با وضع اقتصادی این افراد رابطه بسیار نزدیکی دارد. همانطور که گفته شد این افراد بسته به نوع و میزان معلولیت، دارای یکسری مشکلات اساسی بوده و برای رفع ساده‌ترین آن‌ها مثل انجام کارهای روزانه حتی ممکن است نیازمند پرستار باشند.

از این جهت اگر این افراد دارای وضع اقتصادی خوبی باشند، قادر خواهند بود نسبت به بقیه هموعان خود زندگی بی‌دغدغه‌تر و آسوده‌تری را بگذرانند.

ما در این مقاله قصد داریم تا حدودی به بررسی تفاوت‌های زندگی در معلولین مرفه و فقیر جامعه بپردازیم. پس با ما همراه باشید.

تا همین اواخر آمار دقیقی مبنی بر میزان درآمد، فقر و پوشش بیمه درمانی در افراد دارای معلولیت وجود خارجی نداشت. اما امروزه با توجه به مهم بودن این قضیه و افزایش معلولان در جامعه، تحقیقات زیادی انجام می‌شود.

یک جمله معروف است که بیان می‌کند: ناتوانی هم علت و هم نتیجه فقر است.

این یک دلیل مهم است، زیرا می‌تواند منجر به از دست رفتن شغل، کاهش درآمد، موانع آموزش، هزینه‌های اضافی و بسیاری از چالش‌های دیگر شود که نهایتاً منجر به مشکلات اقتصادی فراوان است. علاوه بر این مسائل که گفته شد، آن‌ها می‌توانند نتایج دیگری را نیز به همراه داشته باشند، که از مهم‌ترین آن‌ها، دسترسی به مراقبت‌های صحی و خدمات پیشگیرانه است. نتیجه نبود این عوامل نهایتاً تأثیرات منفی بسزایی را در سلامت این افراد می‌گذارد.

تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نیمی از بزرگسالان در سن کار که حداقل یک سال فقر را تجربه می‌کنند، دارای معلولیت هستند و تقریباً، دو سوم آن‌ها به احتمال زیاد سختی‌های مادی مانند کمبود غذایی را تجربه کرده‌اند که سلامتی جسمی آن‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این افراد نهایتاً در پرداخت اجاره، وام و خدماتی از این قبیل عاجز می‌مانند و شرایطی به مراتب سخت‌تر را تجربه می‌کنند که تأثیر منفی و حتی خودکشی را در آنان به بار می‌آورد.

معلولانی که در خانواده‌هایی با بضاعت اقتصادی پایین زندگی می‌کنند، در همان ابتدا ممکن است از نبود امکانات کافی برای سلامت جسمی خود آسیب‌های جبران‌ناپذیری ببینند. همانطور که می‌دانید هزینه درمان در این گروه از افراد جامعه بالاست.

معلولینی که از وضع اقتصادی پایینی برخوردارند باید علاوه بر تحمل شرایط سخت جسمی، با شرایط ناشی از نبود امکانات هم بسازند که این عوامل همگی موجب افسردگی و ناخشنودی آن‌ها را فراهم می‌کند. این افراد ممکن است از تحصیل جا بمانند، زیرا مکاتب و پوهنتون مخصوص افراد دارای معلولیت هزینه‌های اقتصادی زیادی را شامل شده و شرایط را برای خانواده آن‌ها سخت کند.

معلولانی که در خانواده‌هایی با بضاعت اقتصادی بالا زندگی می‌کنند، طبیعتاً شرایط راحت تری پیدا می‌کنند. آن‌ها از همان ابتدا از نظر دارو و درمان مورد توجه قرار می‌گیرند. در زندگی از آموزش‌های ویژه‌ای برخوردار می‌شوند که این امر بسیار در زندگی آن‌ها موثر است.

آن‌ها می‌توانند در کارهای روزمره افراد کمکی مدنظر خود استفاده کنند که این امر موجب آسودی و راحتی خود و خانواده این افراد است.

برخلاف افراد فقیر، افراد دارای معلولیت که از نظر اقتصادی از اوضاع خوبی برخوردار هستند، از نظر روحی و روانی شرایط بهتری را تجربه می‌کنند که این عامل در سلامتی و طول عمر این افراد بسیار موثر است. معلولین مرفه جامعه معمولاً در پیدا کردن کار با مشکلات خاصی روبرو نیستند، زیرا یا احتمالاً نیازی به آن ندارند و یا در پیدا کردن کار با خوش‌شانسی‌های خاصی روبرو خواهند بود!

به دلیل شرایط بهتر در زندگی، ازدواج آن‌ها با مشکلات و معضلات کمتری روبرو است. این افراد نهایتاً زندگی را با مشکلات جسمی و روحی بهتری دنبال می‌کنند و رضایتمندی بیشتری از اوضاع به وجود آمده دارند.

## برخورد صحیح با معلولین

به طور کلی برای برخورد صحیح با معلولین باید نکاتی را رعایت کرد. به خاطر وجود محدودیت‌های موجود در افراد معلول، برخورد با آن‌ها باید محتاطانه‌تر بوده و تلاش کرد تا با رعایت برخی نکات، رابطه موثرتری با فرد معلول برقرار نمایید.

برخورد صحیح با معلولین چگونه باید باشد؟ همه ما در زندگی خود تجربه این را داشته‌ایم که فرد نابینایی را از خیابان عبور دهیم و یا به فردی که روی ویلچر نشسته برای حرکت سریع‌تر کمک کنیم. در فرهنگ ما کمک به هم نوع و مخصوصاً کسانی که دارای معلولیت هستند رفتاری با ارزش تلقی می‌شود و همه در صورتی که بتوانند به این افراد کمک کنند از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. با این حال نوع رفتار ما و برخوردی که با افراد معلول داریم از اهمیت بسزایی برخوردار است چراکه این افراد روحیه متفاوت‌تری داشته و حساس‌تر هستند. از آنجایی که خانواده‌ها ممکن است فرد معلولی در زندگی خود داشته باشند و یا فردی قصد ازدواج با شخص معلول را داشته باشد، در ادامه به بررسی برخورد صحیح با معلولین خواهیم پرداخت پس همراه ما باشید

اینکه جامعه معلولین را از بقیه افراد در جامعه جدا بدانید، به نظر اخلاقی نمی‌رسد زیرا معلولین هم مانند سایرین دارای احساس بوده و درک و فهمی مانند بقیه دارند. البته به دلیل محدودیت‌هایی که دارند، نسبت

به دیگران از حساسیت بیشتری برخوردارند و ممکن است به رفتار و گفتار دیگران واکنش افراطی نشان دهند. بنابراین باید همه افراد بدانند که در زندگی خود چگونه باید با دیگران و مخصوصاً معلولین ارتباط برقرار کنند چراکه همه ما در طول زندگی با این افراد برخورد خواهیم داشت .

خانواده وظیفه دارد تا حد امکان شرایطی را فراهم کند تا فرد معلول در خانواده کمبودی احساس نکند و بتواند با شرایط عادی جامعه پیش برود. اما معمولاً خانواده‌های افراد معلول با دغدغه‌ها و مشکلات زیادی در این میان دست و پنجه نرم می‌کنند. مشکلات حرکتی، ناتوانی در حضور فرد معلول در محیط‌های مورد علاقه، مشکل استحمام، مشکل استفاده از وسایل نقلیه عمومی و... همه می‌تواند از جمله مسائل زندگی با معلولین به حساب آید.

## پیوند و رابطه فقر، معلولیت و طرد اجتماع

عاملی که طرد فقر را حتمی می‌سازد، فقر است در واقع بین طرد و فقر رابطه تاثیر و تاثر متقابل وجود دارد. نه تنها ناتوانی بر خطر فقر می‌افزاید بلکه شرایط فقر نیز خطر وقوع ناتوانی را اضافه می‌کند.

خانواده‌های فقیر غذای کافی، مواد صحتی اولیه و دسترسی به مراقبت‌های پیش‌گیری و صحتی ندارند؛ آن‌ها در مسکنی با کیفیت پایین زندگی می‌کنند و در مشاغل بسیار خطرناک کار می‌کنند. تغذیه نامناسب می‌تواند علت ناتوانی باشد و علاوه بر این افزایش آسیب‌پذیری نسبت به سایر بیماری‌های ناتوان‌کننده را به همراه دارد.

بررسی متغیرهای که به طور معنی‌دار با معلولیت ارتباط دارند، حاکی از آن است که وضعیت نامطلوب و ضعف اقتصادی از پیش موجود (پیش از معلول شدن) عامل خطرزای اصلی است. تحلیل چند متغیری تأیید می‌کند که مس‌تر بودن، نداشتن توانایی‌های تحصیلی و عدم اشتغال و درآمد ناشی از آن، همگی به طور مستقل با خطر معلول شدن ارتباط دارند.

معلولیت می‌تواند به عنوان شاخص نماینده فقر باشد. در سطح سلامتی حدود ۵۰ درصد معلولیت‌ها قابل پیشگیری اند. (Backles, 2004:6-7) سلامت و بیماری به نوبه خود، به شدت از جنبه‌های گوناگون ساخت اجتماعی تاثیر می‌پذیرد. عوامل اجتماعی نه تنها بر امید به زندگی، بلکه بر احتمال ابتلا به انواع مهم بیماری و مراقبت‌های صحتی که مریضان دریافت می‌کنند، تاثیر می‌گذارد.

تولید در خانواده ای مرفه امکانات ادامه دادن به تحصیلات عالی را به نحو چشم‌گیری افزایش می‌دهد، داشتن تحصیلات عالی نیز به سهم خود دسترسی به مشاغل پر درآمدتر را برای شخص آسان می‌کند و این خود بر فرایند انباشت ثروت، علاوه بر آنچه که از راه میراث خواری نصیب می‌شود، اثر می‌گذارد. میزان ثروت و میزان تحصیلات نیز بر سلامتی شخص بی‌تاثیر نیست و طول عمرش را زیادتر می‌کند. بدین ترتیب زمانی که ناتوانی جسمی (عدم بر خورداری از فرصت سلامتی) با عدم فرصت دیگری (ناتوانی مالی یا فقر) همراه می‌شود؛ فرد در تقاطع معلولیت و فقر قرار می‌گیرد و از آن‌جا که معلول بودن و فقر بودن هر دو طرد اجتماعی را به دنبال دارند فرد در وضعیت معلولیت، فقر و طرد واقع می‌شود. بدین ترتیب، این افراد از نظر تشخیص طبقات در هیچ کدام از طبقات حتی طبقه پایین قرار نخواهند گرفت، بلکه احتمالاً می‌توان گفت خارج از طبقه هستند. حال اگر فرد معلول زن باشد به لحظ مسایل فرهنگی که با مساله معلولیت و جنسیت مربوط می‌شوند، از برخورد و تقاطع معلولیت، جنسیت و فقر، فرد در وضعیت تقاطع معلولیت، جنسی و فقر و طرد واقع می‌شود.

## منابع

- ۱- تامین ملوین. جامعه شناسی قشر بندی و نابرابری های اجتماعی. (ترجمه، عبدالحسین نیک گهر)، تهران ۱۳۸۱.
- ۲- حسینی سید حسن. معلولیت، فقر و طرد اجتماعی، فصل نامه پژوهشی رفاه اجتماعی، تهران ۱۳۹۱.
- ۳- کمالی محمد. فقر و ناتوانی، مجموعه مقالات فقر، ۱۳۷۹.
- ۴- Backles, Beverly. 2004. , Poverty and Diability.
- ۵- روزنامه اطلاعات روز، آمار و ارقام معلولین. کابل ۱۳۹۹.